

واکاوی رابطه اثربخشی نظام جامع مدیریت دانش با مؤلفه‌های

اقتصاد مقاومتی (درونزا) به کمک روش PLS

(مطالعه‌ی موردی: شرکت دانش‌بنیان دفاعی)

محمدعلی شیخ‌الاسلام^۱

رضا قاسمی درآباد^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۱

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۰۴/۰۳

چکیده

اقتصاد مقاومتی با پافشاری بر قطع وابستگی‌ها و تأکید بر مزیت‌های تولید در جهت تلاش برای خودکفایی، بازسازی و احیای اقتصاد ملی گام برمی‌دارد. دستیابی به اقتصاد مقاومتی نیازمند بسترسازی و ایجاد شرایط و زمینه‌هایی است که اگر تحقق نیابد نمی‌توان امید داشت که اقتصاد مقاومتی در کشور شکل گیرد. یکی از عمده‌ترین راهکارهای تحقق این اقتصاد عبور از اقتصاد وابسته به منابع اولیه و متکی بر خام‌فروشی است که تنها از مسیر دانش و تقویت و تحکیم پایه‌های اقتصاد دانش‌بنیان در کشور تحقق می‌یابد؛ بنابراین رویکرد اصلی کشور به‌سوی دانش‌محور شدن اقتصاد و اجرای صحیح مدیریت دانش در سازمان‌ها و نهادهای دانش‌بنیان، کشور را در تحقق این مهم یاری می‌رساند. پژوهش حاضر به بررسی رابطه اثربخشی نظام جامع مدیریت دانش بر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در یک شرکت دانش‌بنیان دفاعی پرداخته است. بدین منظور پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی گسترده با بهره‌گیری از روش حداقل مربعات جزئی، تدوین، تجزیه و تحلیل پرسشنامه و انجام مصاحبه با خبرگان و کارکنان آشنا با مباحث مدیریت دانش و اقتصاد مقاومتی شرکت مورد مطالعه رابطه اثربخشی نظام جامع مدیریت دانش بر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بررسی شد و مدل ارائه گردیده با روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار AMOS، مورد سنجش قرار گرفت و تفسیر گردیده است. نتیجه‌ی آزمون نشان می‌دهد که در این شرکت دانش‌بنیان، مدیریت دانش تأثیر مثبت و معناداری بر اقتصاد مقاومتی داشته و این شرکت به نوعی با سرمایه‌گذاری در بخش مدیریت دانش می‌تواند به‌طور غیرمستقیم کشور را در تحقق اقتصاد مقاومتی یاری رساند.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد مقاومتی، مدیریت دانش، مدل‌یابی معادلات ساختاری، اقتصاد دانش‌بنیان.

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، گرایش سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه صنعتی امیرکبیر (shekholislam@aut.ac.ir)

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد MBA، گرایش عمومی، دانشگاه پیام نور تهران (rez.2005@yahoo.com)

۱. مقدمه

آینده جهان در هزاره سوم، آکنده از رقابت، عوامل محیطی نامطمئن، رواج فناوری‌های برتر بوده که به صورت وحشتناکی بر جوامع بشری چنگ انداخته و انواع مختلف ناطمینانی‌ها را شکل داده است (معموری، ۱۳۸۱). دستیابی به توسعه مبتنی بر دانش، مستلزم تلاش‌های هدفمند و سازمان‌یافته در سطوح ملی و تعاملات متقابل آن با سطوح بین‌المللی است که در آن تمامی بخش‌ها و نهادهای جوامع مشارکت حداکثری کنند (نعمتی و همکاران، ۱۳۹۳). سازمان‌ها نیز در دنیای متغیر امروز با توجه به تغییر و تحولاتی که در اثر مهارت‌ها، توانایی‌ها و رقابتی فناوری ایجاد شده، اجازه مدیریت به شکل سنتی را ندارند (Carter, 2013) و مجبور به جستجوی بهترین شیوه‌ها و طرح‌ها به منظور سازگاری با محیط در حال تغییر هستند (Allen, 2013).

در سالیان اخیر و با شکست اکثر تهاجمات دشمن در عرصه‌های مختلف، تحریم‌های شدیدتر اقتصادی و محدودیت‌های کسب‌وکار داخلی و ارتباطات خارجی در دستور کار قرار گرفته است. مجموعه شرایط پیش آمده برای کشور که نظیری برای آن در عرصه‌ی بین‌المللی و نظری اقتصاد نمی‌توان یافت، موجب شد که رهبر انقلاب اسلامی ادبیات و عرصه‌ی جدیدی را برای استمرار و اقتدار ملی و اقتصادی کشور ترسیم کنند. این عرصه که با ظهور مفهومی به نام «اقتصاد مقاومتی» تجلی یافته است، بیانگر مجموعه تعاریف، شاخص‌ها و سیاست‌هایی است که اقتصاد ملی را بر اساس شرایط موجود تدوین کرده و نوعی انعطاف‌پذیری و اقتدار همزمان را برای این حوزه فراهم می‌آورد (جهرمی و همکاران، ۱۳۹۲).

در بیان مفهوم و اهداف این اقتصاد می‌توان گفت اقتصاد مقاومتی به دنبال راه‌حل مدیریت قبل از بحران است. با وجود تدابیر اندیشیده شده در کشور، احتمال تکرار حوادث و بحران‌ها در سال‌های اخیر زیاد است؛ بنابراین تفکر اقتصاد مقاومتی نه تنها شرایط حال را مدنظر قرار می‌دهد بلکه به افق‌های دوردست نیز می‌اندیشد، به همین دلیل سیاست‌های اجرایی مرتبط با حوزه‌ی مدیریت بحران نیز باید از بالندگی و پویایی برخوردار باشند تا ظرفیت بازدارندگی کشور در قبال تهدیدات نوظهور افزایش یابد تا بتواند برنامه‌های دشمنان را برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران با شکست روبه‌رو کند (رشوند، ۱۳۹۵).

از طرفی ما در حال وارد شدن به جامع‌های دانشی هستیم که در آن منابع اقتصادی اصلی، دیگر سرمایه‌ی بیشتر، منابع طبیعی و نیروی کار بیشتر و ... نیست، بلکه منابع اقتصادی اصلی دانش خواهد بود؛ زیرا سرمایه‌گذاری در دانش می‌تواند ظرفیت تولیدی سایر عوامل تولید را افزایش داده و موجب تبدیل آن‌ها به فرایندها و محصولات جدید شود (آشنا و همکاران، ۱۳۸۸). از این رو مدیریت صحیح دانش می‌تواند کشور را به سوی اقتصادی مبتنی بر دانش پیش برد و در تحقق اقتصاد مقاومتی یاری رساند. بنابراین با توجه به اهمیت هر دو مبحث اقتصاد مقاومتی و مدیریت دانش در جمهوری اسلامی ایران، این پژوهش با در نظر گرفتن فرایندهای مدیریت دانش شامل تولید، اشتراک و به‌کارگیری دانش و همچنین شش مؤلفه‌ی اقتصاد مقاومتی، یعنی قطع وابستگی به کشورهای بیگانه و جهش در خودکفایی، رشد اقتصادی، اقتصاد دانش‌بنیان، حمایت از تولید ملی، استفاده از ظرفیت‌های دینی، فرهنگی، ملی و مدیریت بهینه‌ی منابع طبیعی، به ارائه‌ی یک مدل کمی و آزمون مدل با استفاده از روش حداقل مربعات جزئی پرداخته است.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. اقتصاد مقاومتی

در سال‌های اخیر و با شدت یافتن تحریم‌های یک‌جانبه و غیرانسانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران باهدف متوقف کردن برنامه‌های صلح آمیز هسته‌ای ایران، واژه‌ی جدید «اقتصاد مقاومتی» به ادبیات اقتصادی کشور اضافه و به فراخور حال وروز اقتصاد کشورمان مورد بحث قرار گرفته است. این واژه اولین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. در همین دیدار، رهبر معظم انقلاب «اقتصاد مقاومتی» را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» را معرفی نمودند. برای مفهوم اقتصاد مقاومتی در همین مدت زمان کم، تعاریف متفاوتی ارائه شده که هر کدام از جنبه‌ای به این موضوع نگاه کرده‌اند. در این میان، تعریف جامع و کامل از اقتصاد مقاومتی را خود رهبر فرزانه انقلاب ارائه داده‌اند. ایشان در دیدار با دانشجویان فرمودند: «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین کننده رشد و شکوفایی کشور باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹).

ایران اسلامی امروز به منزله‌ی الگوی کشورهای آزادی خواه و کانون اصلی مقاومت در برابر اندیشه‌ی لیبرال دموکراسی غرب قرار دارد و این در حالی است که دنیای غرب با بحران اقتصادی اجتماعی مواجه است و در این شرایط برای نجات خود از این مشکلات آخرین تیر ترکش خود یعنی تحریم هوشمندانه را انتخاب کرده است که در دو سطح تحریم واقعی و جنگ روانی آن را پیگیری می‌کند و طی آن با تحریم‌های نفتی، بانک مرکزی، شرکت‌های کشتیرانی و نفتکش‌ها، برخی اشخاص و در نهایت با ایجاد فشارهای اقتصادی و سپس با بهره‌گیری از رسانه‌های قوی خود خواهان ایجاد شکاف بین مردم و مسئولان هستند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴).

اقتصاد مقاومتی مختص زمان جنگ و تحریم نیست، بلکه یک چشم‌انداز بلندمدت پیش روی اقتصاد ایران است، زیرا اقتصاد ایران در سایه‌ی تفکر جمهوری اسامی همیشه آماج حملات دشمنان خواهد بود. طبق بیانات مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۳، این اقتصاد درونزا است؛ یعنی از دل ظرفیت‌های خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد. رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان؛ درونزا به این معنا است؛ اما در عین حال درون‌گرا نیست؛ یعنی این اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور می‌کنیم و محدود می‌کنیم در خود کشور؛ نه درونزا است، اما برون‌گرا است؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه می‌شود (میرمعزی، ۱۳۹۱).

با توجه به مطالعات جامعی که در خصوص اقتصاد مقاومتی انجام شده است، تمامی مؤلفه‌های استخراج گردیده برای اقتصاد مقاومتی در جدول (۱) ذکر شده است.

جدول شماره (۱) مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

ردیف	مؤلفه‌ها
۱	مردمی کردن اقتصاد
۲	ثبات اقتصادی
۳	ثبات و توزیع درآمد در میان مردم
۴	وحدت کلمه در مباحث سیاسی
۵	عزم و انسجام ملی میان مردم و مسئولان
۶	اصلاح الگوی مصرف
۷	کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی
۸	مدیریت بهینه‌ی واردات
۹	قطع وابستگی به کشورهای بیگانه و جهش در خودکفایی
۱۰	مصرف کالاهای داخلی برای تقویت بنیان تولید داخلی
۱۱	مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز
۱۲	افزایش بهره‌وری اقتصادی
۱۳	کاهش شاخص بیکاری و افزایش اشتغال
۱۴	گسترش فعالیت بخش خصوصی
۱۵	تشکیل سرمایه‌های بزرگ
۱۶	صرفه‌جویی در مواد اساسی
۱۷	کار جهادگونه
۱۸	استحکام معنویت در جامعه
۱۹	پرهیز از توجه اجتماعی به مسائل حاشیه‌ای
۲۰	تأمین اقلام راهبردی (غذا و دارو)
۲۱	دسترسی دولت به منابع درآمدی
۲۲	حمایت از تولید ملی
۲۳	سرمایه‌گذاری نوآورانه
۲۴	مبارزه با فساد اقتصادی
۲۵	نوآوری و شکوفایی
۲۶	کنترل (پایش) تورم
۲۷	حمایت از عوامل تولید داخلی
۲۸	نرخ رشد اقتصادی بالا
۲۹	تأمین نیازهای اساسی از سوی دولت
۳۰	پدیداری اقتصاد دانش‌بنیان
۳۱	حداکثرکردن استفاده‌ی بهینه از امکانات و تجهیزات موجود در کشور
۳۲	بازار دارایی فکری
۳۳	حفظ حداقل‌های پدافند اقتصادی
۳۴	اصلاح ساختار دولتی
۳۵	کاهش آسیب‌های اجتماعی

ردیف	مؤلفه‌ها
۳۶	توجه به نخبگان و استفاده از فناوری‌ها و تکنولوژی‌های نوین
۳۷	مدیریت درست منابع ارزی
۳۸	توجه به اهمیت و جایگاه کلی فرهنگ در اقتصاد مقاومتی
۳۹	توجه به آرمان‌های مکتب اسلام
۴۰	توجه به نقش زنان
۴۱	اتصال شرکت‌های کوچک و متوسط به صنایع
۴۲	افزایش تولید و مصرف منابع انرژی تجدیدپذیر
۴۳	مدیریت بهینه‌ی منابع مالی
۴۴	نقش پشتیبانی رسانه‌ها و مؤسسات فرهنگی
۴۵	نقش آموزش و پرورش در سطوح پایه
۴۶	عدالت محوری
۴۷	تقویت و تحکیم سرمایه اجتماعی
۴۸	سهم بری عادلانه‌ی عوامل
۴۹	توجه به سرمایه‌های انسانی
۵۰	بهره‌گیری از ابزارهای مالی اجتماعی
۵۱	بهره‌گیری از ظرفیت هدفمندسازی یارانه‌ها
۵۲	مدیریت بهینه‌ی منابع طبیعی برای رفع نیازهای کشور
۵۳	رفع موانع حضور فعالان مردمی در عرصه‌ی اقتصادی
۵۴	بهبود فضای کسب‌وکار
۵۵	حمایت همه جانبه‌ی هدفمند از صادرات کالاها و خدمات
۵۶	حرکت بر اساس برنامه
۵۷	افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور
۵۸	استفاده‌ی مناسب از ذخایر نفت و گاز
۵۹	مدل‌سازی یا طراحی الگوی سبک زندگی منطبق بر اقتصاد مقاومتی
۶۰	بهینه‌سازی زیرساخت‌های انرژی
۶۱	توجه بیشتر به منابع مشترک نفتی
۶۲	تبدیل خام فروشی به فرآورده‌ها
۶۳	بهینه‌سازی سیستم بانکی کشور
۶۴	اجرای مالیات بر ارزش افزوده
۶۵	نظارت در همه‌ی سطوح
۶۶	کارآفرینی
۶۷	توسعه‌ی گردشگری
۶۸	حکمرانی مطلوب
۶۹	مراقبت از توانمندی حمل‌ونقل کشور
۷۰	استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی دینی و ملی

حال با توجه به جدول (۱)، مؤلفه‌هایی که دارای مفهوم یکسانی هستند و به نظر می‌رسد که بر هم منطبق‌اند در کنار هم قرار داده شده‌اند و سپس مؤلفه‌هایی که مؤلفه‌های دیگر را پوشش می‌دهند انتخاب شده و طبقه‌بندی نهایی در جدول (۲) بیان شده است.

بنابراین با توجه به جدول (۲) و با توجه به کثرت مؤلفه‌های مستخرج شده، از میان مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، شش گروه کلی حمایت از تولید ملی، اقتصاد دانش‌بنیان، استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی، دینی و ملی، مدیریت بهینه‌ی منابع طبیعی، رشد اقتصادی و قطع وابستگی به کشورهای بیگانه و جهش در خودکفایی برای انجام گام اصلی تحقیق انتخاب گردیدند.

جدول شماره (۲) مؤلفه‌های نهایی اقتصاد مقاومتی

شماره	مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی	زیر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی
۱	حمایت از تولید ملی	برنامه‌ریزی و مدیریت واردات و صادرات کالا و خدمات
		ترویج مصرف کالای ایرانی
۲	اقتصاد دانش‌بنیان	کارآفرینی
		استفاده از فناوری‌های و فن‌آوری‌های نوین
		نخبه پروری و توجه به نخبگان
		بازار دارایی فکری
		نوآوری، خلاقیت و شکوفایی
۳	بهره‌مندی از ظرفیت‌های فرهنگی، دینی و ملی	تقویت و تحکیم سرمایه‌ی اجتماعی
		عدالت محوری
		طراحی الگوی سبک زندگی منطبق بر اقتصاد مقاومتی
		توسعه‌ی گردشگری
		توجه به آرمان‌های اسلام و استحکام معنویت در جامعه
		نقش آموزش و پرورش و رسانه‌ها
۴	مدیریت بهینه‌ی منابع طبیعی	توجه به اهمیت و جایگاه فرهنگ
		صرفه‌جویی در منابع و اصلاح الگوی مصرف
		استفاده‌ی مناسب از ذخایر نفت و گاز و کاهش وابستگی به درآمدهای نفت
		بهبودسازی زیرساخت انرژی
		ایجاد ارزش افزوده و تبدیل خام فروشی به فرآورده‌ها

شماره	مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی	زیر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی
۵	رشد اقتصادی	افزایش تولید و مصرف منابع انرژی تجدیدپذیر
		افزایش بهره‌وری اقتصادی
		کاهش بیکاری و افزایش اشتغال
		پایش تورم
		مبارزه با فساد اقتصادی
		کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد
		بهینه‌سازی سیستم بانکی کشور و مدیریت صحیح منابع مالی و ارزی
۶	قطع وابستگی به کشورهای بیگانه و جهش در خودکفایی	تأمین نیازهای راهبردی مورد نیاز از سوی دولت
		حکمرانی مطلوب
		استفاده‌ی بهینه از امکانات و تجهیزات در کشور
		نظارت و ارزشیابی مناسب در تمام سطوح
		حرکت بر اساس برنامه و پرهیز از توجه به مسائل حاشیه‌ای
		اصلاح ساختار دولتی
		وحدت کلمه در مباحث سیاسی

۲-۲. مدیریت دانش

مدیریت دانش، یک واژه‌ی علمی است که ارائه‌ی تعریف استاندارد از آن مشکل است (به دلیل ابهامات موجود در تعریف خود دانش)، اما تعاریف زیر تا حدودی آن را توصیف می‌کند:

به اعتقاد دانپورت و پروساک، مدیریت دانش، یک فرایند خاص سازمانی و سیستمی برای کسب، سازماندهی، نگهداری، کاربرد، پخش و خلق دوباره‌ی دانش صریح و ضمنی کارکنان به‌منظور افزایش عملکرد سازمان و ارزش آفرینی است (Davenport, 1998).

مدیریت دانش، شامل روش‌های بهبود و راهکارهای عملی است که به مدیریت کمک می‌کند تا در هر سطح و بخشی از سازمان بهبود روش‌های کاری و محصولات امکان‌پذیر شود (Davenport, 1998).

مدیریت دانش فرایندی نظام‌مند و سازمان‌یافته برای کسب، سازماندهی و انتقال دانش ضمنی و آشکار کارکنان به‌گونه‌ای است که دیگر کارکنان بتوانند از آن استفاده کنند تا در انجام کارشان مؤثرتر و بهره‌ورتر باشند (Alrawi, 2008).

مدیریت دانش برحسب ویژگی‌هایی که در یک فرایند ساخت‌یافته یا چرخه‌ی زندگی وجود دارد، می‌تواند جریان یابد که این چرخه از مفهوم و ایجاد آن شروع شده و تا یک وضعیت سودمند برای به اشتراک‌گذاری و به‌کارگیری دانش ادامه می‌یابد.

چندین چرخه‌ی مختلف از مدیریت دانش وجود دارد که با توجه به روند انجام تحقیقات و نظرهای خبرگان، از میان فرایندها، چرخه‌ی نوپس و همکاران (Nevis, 1995) که مشتمل بر سه فاز خلق دانش، به‌کارگیری دانش و اشتراک دانش است، در این پژوهش مینا قرار گرفت که در ادامه به توضیح مختصر آن‌ها پرداخته شده است.

۲-۲-۱. خلق دانش

به‌طور کلی دانش سازمانی باید در جهت خدمات، فرایندها و محصولات سازمان به کار گرفته شود. اگر سازمانی به راحتی نتواند شکل صحیح دانش را در جای مناسب آن مشخص کند ممکن است در حفظ مزیت‌های رقابتی خود با مشکل روبه‌رو شود (Hales, 2001).

۲-۲-۲. اشتراک دانش

اشتراک دانش شامل تبادل، جابه‌جایی و توزیع دانش مناسب به فرد و گروه مناسب است. مفهوم اشتراک بیشتر در رابطه با دانش ضمنی به کار برده می‌شود (Davenport, 1998). پژوهشگران دیگری نیز تسهیم دانش را به منزله‌ی مجموعه‌ای از رفتارهایی تعریف می‌کنند که شامل مبادله‌ی اطلاعات یا کمک کردن به دیگران است.

حجم و چگونگی رابطه‌ی این فرایندها با یکدیگر، متمایزکننده‌ی اقتصادهای مدرن از اقتصادهای سنتی است. در واقع یکی از راه‌های اساسی جریان دانش، جریان آن از فرایند استفاده به فرایند تولید است. دانشی که در این کانال جریان می‌یابد دانش چگونگی و در رابطه با مسائل فرایند استفاده است. این جریان پویایی سیستم اقتصادی و متمایزکننده‌ی اقتصادهای سنتی از اقتصادهای مبتنی بر دانش است (Chennemanani, 2006).

۲-۳. مدیریت دانش و اقتصاد مقاومتی

محمدمی مقدم و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به بررسی رابطه بین اقتصاد مقاومتی، گرایش کارآفرینانه و مدیریت دانش پرداخته‌اند. جامعه آماری ایشان ۱۰۰ نفر از کارآفرینان و صنعتگران یک شهرک صنعتی در شهر تبریز بوده‌اند؛ که بر اساس نتایج به دست آمده این تحقیق، رابطه معنادار بین اقتصاد مقاومتی، گرایش کارآفرینانه و مدیریت دانش وجود دارد. بر این اساس بین اقتصاد مقاومتی و گرایش کارآفرینانه همبستگی بالاتری مشاهده شده است. همچنین در بین ابعاد اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی بالاترین همبستگی و مقابله با دشمن پایین‌ترین همبستگی را با گرایش کارآفرینانه دارند و از بین ابعاد اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان بالاترین و مدیریت مصرف پایین‌ترین همبستگی را با مدیریت دانش دارد.

در خصوص ارتباط بین مدیریت دانش و اقتصاد مقاومتی، آقاجانی و مجدد (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ای به تشریح اقتصاد مقاومتی، گرایش کارآفرینانه، مدیریت دانش و تعامل سازنده و بهینه‌ی آن‌ها در خلق ثروت دانش‌بنیان

پرداخته است و در نهایت نتیجه‌گیری کرده است که با توسعه‌ی نوآوری در فعالیت‌های اقتصادی حرکت به سمت گرایش‌های کارآفرینانه و کسب دانش صحیح به‌منظور تحقق این امر، مسیر در راستای اقتصاد دانش‌بنیان، شفافیت و وضوح بسیار زیادی می‌یابد و بنابراین با توجه به اهمیت فراوان اقتصاد مقاومتی، گرایش‌های کارآفرینانه و مدیریت دانش بر توسعه اقتصادی کشور، با تعامل این سه مهم در اقتصاد دانش‌بنیان، به کشور در راه توسعه یاری بزرگی می‌رساند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

۳-۱. طرح پژوهش

تحقیق حاضر به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی است، چرا که بر اساس متغیرهای پژوهش و بررسی ادبیات موجود، الگوی جدیدی پیشنهاد می‌شود و به لحاظ روش از زمره‌ی تحقیقات پیمایشی و توصیفی همبستگی است. راهبرد گردآوری داده‌ها در این تحقیق از نوع پیمایشی بوده که از ابزار پرسشنامه برای این منظور استفاده شده است. بر این اساس الگوی مفهومی پژوهش بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای، توسعه داده شده و به‌منظور بررسی تجربی آن، پرسشنامه‌ای مبتنی بر بررسی ادبیات و نظر خبرگان تدوین گردید.

به‌طور کلی دو نوع رویکرد برای برآورد پارامترهای یک مدل معادلات ساختاری وجود دارد که عبارتند از رویکرد مبتنی بر کوواریانس و رویکرد مبتنی بر واریانس. رویکرد اول در تلاش است تا اختلاف بین کوواریانس‌های نمونه و آنچه که مدل نظری پیش‌بینی کرده است را حداقل کند. بر خلاف رویکرد اول، رویکرد حداقل مربعات جزئی در ابتدا با عنوان حداقل مربعات جزئی تکراری غیرخطی ۲ معرفی شد که هدف از آن حداکثر کردن واریانس متغیرهای وابسته‌ای است که توسط متغیرهای مستقل تعریف می‌شوند. همانند سایر مدل‌های معادلات ساختاری، مدل حداقل مربعات جزئی نیز دارای بخش ساختاری است که منعکس کننده‌ی ارتباط بین متغیرهای پنهان و یک جزء اندازه‌گیری است. کمترین مجزورات جزئی برای مقابله با مشکلات داده‌ای خاص مانند حجم اندک داده‌ها، وجود داده‌های گمشده و هم خطی بین متغیرهای مستقل طراحی شده است (سید عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

در این پژوهش در نهایت داده‌های به دست آمده بر اساس رویکرد مدل‌یابی معادلات ساختاری (PLS) و به کمک نرم‌افزار AMOS مورد تجزیه و تحلیل و مطالعه‌ی استنباطی قرار گرفت.

۳-۲. روایی و پایایی پرسشنامه

با توجه به مرور پیشینه، پرسشنامه‌ای شامل دو بخش مبنی بر بررسی فرایندهای مدیریت دانش و همچنین بررسی مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی طراحی گردید و روایی آن‌ها توسط گروهی از متخصصان تأیید گردید. برای ارزیابی هر دو بخش پرسشنامه، از مقیاس ۳۴ گویه‌ای دارای طیف پنج امتیازی لیکرت (۱ به معنای خیلی کم تا ۵ به معنای خیلی زیاد) استفاده شده است.

برای ارزیابی پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده گردید. مقدار آلفا برای بخش مدیریت دانش پرسشنامه ۰/۹۳۶ و برای بخش اقتصاد مقاومتی ۰/۹۵۱ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۶۳ به دست آمد.

۳-۳. جامعه و نمونه‌ی آماری پژوهش

در این پژوهش جامعه‌ی آماری متشکل از کارکنان شرکت دانش‌بنیان دفاعی مورد مطالعه است. برخی از سیاست‌های کلی شرکت مذکور به شرح زیر است:

رعایت ضوابط و مقررات قانونی و شرعی، تقویت قانون‌گرایی، وجدان کاری، خودباوری، روحیه‌ی کاری جمعی و تعاون، ابتکار، درستکاری، پرهیز از اسراف و اهتمام به ارتقای کیفیت در خدمات قابل ارائه در حوزه‌های مختلف، کمک به تحقق اقتصاد اسلامی و سیاست‌های کلی کشور در حوزه‌ی اقتصاد، افزایش بهره‌وری. همچنین مواردی چون التزام عملی به اصول و احکام شرع مقدس اسلام، رفتار مبتنی بر اقتصاد اسلامی، رعایت اخلاق اسلامی و برخورد صادقانه با مشتریان با دو مؤلفه‌ی امانت‌داری و تخصص، بخشی از ارزش‌های حاکم بر شرکت مذکور هستند.

شرکت مورد مطالعه در راستای کمک به تحقق اقتصاد مقاومتی، با استناد به سیاست‌ها، پیاده‌سازی و اجرای اقتصاد مقاومتی و تبدیل این شرکت به الگوی اقتصاد مقاومتی را سرلوحه‌ی فعالیت‌های خود قرار داده است. همچنین این شرکت تمهیدات و آزمون‌هایی را برای مقابله با بحران و گذر از شرایط بحرانی تدوین نموده است.

پرسشنامه‌ها در همه‌ی واحدهای شرکت مورد مطالعه و در بین خبرگان و افراد آشنا با مباحث مدیریت دانش و اقتصاد مقاومتی به صورت حضوری توزیع شدند که با توجه به حجم ۱۱۴ تایی جامعه‌ی مذکور، با توجه به جدول مورگان، عدد به دست آمده برای نمونه ۸۶ واحد است که از میان پرسشنامه‌های توزیع شده در جامعه‌ی مورد نظر، ۹۷ پرسشنامه به دست آمد که ۷ پرسشنامه ناقص بود و در نهایت ۹۰ پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. جدول (۳) خلاصه‌ای از داده‌های توصیفی نمونه‌ی آماری پژوهش را ارائه می‌دهد:

جدول شماره (۳) اطلاعات توصیفی نمونه

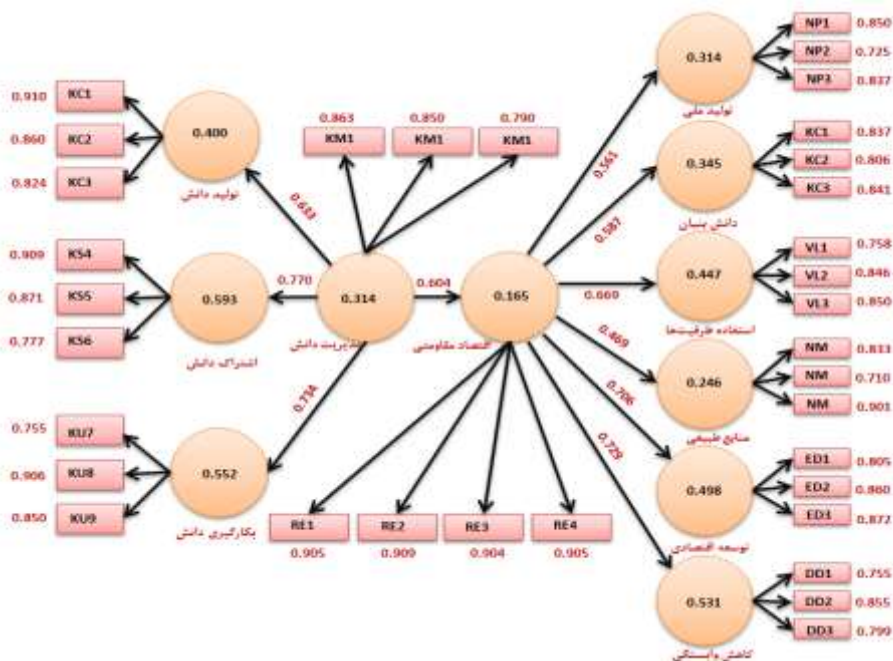
سطح	توضیحات	تعداد مصاحبه‌شوندگان	
تحصیلات	کاردانی	۹	۱۰
	کارشناسی	۴۱	۴۵/۵۵
	ارشد	۳۱	۴۴/۳۴
	دکتری	۹	۱۰
	مجموع	۹۰	۱۰۰
سابقه کار	زیر ۵ سال	۳۵	۳۸/۸۸
	۵-۱۰ سال	۹	۱۰
	۱۰-۱۵ سال	۳۴	۳۷/۷۷
	بالای ۱۵ سال	۱۲	۱۳/۳۳
	مجموع	۹۰	۱۰۰
سن	۲۵-۳۰ سال	۲۵	۲۷/۷۷

سطح	توضیحات	تعداد مصاحبه‌شوندگان
	سال ۳۵-۳۰	۳۳
	سال ۴۰-۳۵	۱۶
	بالای ۴۰ سال	۱۶
	مجموع	۹۰

۴. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. ارائه مدل

شکل (۱) مدل آزمون شده پژوهش را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود، برای مدیریت دانش بر اساس مطالعات از قبل صورت گرفته، سه فرایند تولید، اشتراک و به‌کارگیری دانش و بر همین اساس برای اقتصاد مقاومتی شش مؤلفه‌ی حمایت از تولید ملی، مدیریت بهینه‌ی منابع طبیعی، رشد اقتصادی، استفاده از ظرفیت ملی، فرهنگی و دینی، اقتصاد دانش‌بنیان و قطع وابستگی به کشورهای بیگانه در نظر گرفته شده است و در نهایت تأثیر مدیریت دانش بر اقتصاد مقاومتی از طریق پرسش‌هایی در خصوص این مؤلفه‌ها و همچنین پرسش‌هایی که به‌طور مستقیم مدیریت دانش و اقتصاد مقاومتی را مورد سنجش قرار می‌دهند، با به‌کارگیری روش حداقل مربعات جزئی، مورد سنجش قرار گرفته است.



شکل شماره (۱) مدل آزمون شده‌ی پژوهش
(ضرایب مسیر و بارهای عاملی)

تمامی مدل‌های مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری (از جمله پی. ال. اس) دارای دو بعد مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری هستند. کفایت مدل اندازه‌گیری بر اساس سه معیار اصلی شامل پایایی هر یک از سنج‌ها و معیارها، روایی همگرا و روایی واگرا یا تشخیصی تعیین می‌گردد. برای بررسی پایایی سازه‌ها، هالاند (رشید ارده؛ ۱۳۹۳) دو ملاک را پیشنهاد می‌کند که شامل ۱. پایایی هر یک از گویه‌ها؛ ۲. پایایی ترکیبی هر یک از سازه‌ها است. در پایایی هر یک از گویه‌ها، بار عاملی ۰,۴ و بالاتر در تحلیل عاملی تأییدی نشانگر سازه‌ی خوب تعریف شده است. همان‌طور که در جدول ۴ آورده شده است تمامی بارهای عاملی این پژوهش دارای بار عاملی بالاتر از ۰,۴ بوده و بالاتر از حداقل قابل قبول است و این بدان معناست که نشانگرهای مدل (مانند KC) برای اندازه‌گیری سازه‌ی خود (مانند تولید دانش)، به‌طور مناسب انتخاب شده‌اند و مورد تأیید هستند. همان‌طور که گفته شد برای بررسی پایایی ترکیبی از شاخص پایایی ترکیبی استفاده می‌شود که مقادیر قابل پذیرش برای آن مقدار ۰,۷ یا بیشتر است و طبق جدول ۴، مقادیر تمام Composite reliability ها از ۰,۷ بیشتر بوده و این نشان دهنده‌ی این است که در بین پاسخ‌دهندگان مختلف مورد مطالعه، برداشت یکسانی از سؤالات وجود داشته است. همچنین شاخص متوسط واریانس استخراج شده (AVE) به منزله‌ی شاخص روایی همگرا ارائه گردیده است که چین (درویش زاده ۱۳۸۸)، مقادیر ۰,۵ و بیشتر را توصیه می‌کند که تمامی این مقادیر نیز در این پژوهش بالاتر از ۰,۵ است و این امر به معنای آن است که هر نشانگر فقط سازه‌ی خود را اندازه‌گیری می‌کند و ترکیب آن‌ها به‌گونه‌ای است که تمام سازه‌ها به خوبی از یکدیگر تفکیک شده‌اند؛ بنابراین مقادیر این شاخص‌ها در جدول (۴) مقادیر آورده شده است. که همگی بر پایایی و روایی همگرایی مناسب پژوهش دلالت دارند.

جدول شماره (۴) بررسی پایایی و روایی همگرایی سازه‌های تحقیق

متغیر	علامت نشانگر	بار عاملی	AVE	Composite reliability
تولید دانش	KC1	۰/۸۹۴	۰/۸۴۸۶	۰/۸۷۵
	KC2	۰/۴۴		
	KC3	۰/۸۰۸		
اشتراک دانش	KS4	۰/۸۹۳	۰/۸۳۶۳	۰/۸۷۶
	KS5	۰/۸۵۵		
	KS6	۰/۷۶۱		
به‌کارگیری دانش	KU7	۰/۷۳۹	۰/۸۲۱۰	۰/۸۶۳
	KU8	۰/۸۹۰		
	KU9	۰/۸۳۴		
مدیریت دانش	KM10	۰/۸۴۷	۰/۸۱۸۳	۰/۸۵۹
	KM11	۰/۸۳۴		
	KM12	۰/۷۷۴		
مدیریت بهینه منابع طبیعی	NM1	۰/۸۱۷	۰/۷۹۸۶	۰/۸۴۴
	NM2	۰/۶۹۴		

Composite reliability	AVE	بار عاملی	علامت نشانگر	متغیر
		۰/۸۸۵	NM3	
۰/۸۶۹	۰/۸۲۹۶	۰/۷۸۹	ED1	رشد اقتصادی
		۰/۸۴۴	ED2	
		۰/۸۵۶	ED3	
۰/۸۴۵	۰/۷۶۸۶	۰/۷۴۲	VL1	بهره‌مندی از ظرفیت‌های فرهنگی، دینی و ملی
		۰/۷۳۰	VL2	
		۰/۸۳۴	VL3	
۰/۸۳۳	۰/۷۸۸۰	۰/۸۳۴	NP1	حمایت از تولید ملی
		۰/۷۰۹	NP2	
		۰/۸۲۱	NP3	
۰/۸۵۴	۰/۸۱۲۰	۰/۸۲۱	KE1	اقتصاد دانش‌بنیان
		۰/۷۹۰	KE2	
		۰/۸۲۵	KE3	
۰/۸۳۱	۰/۸۳۱۰	۰/۷۳۹	DD1	قطع وابستگی به کشورهای بیگانه
		۰/۸۳۹	DD2	
		۰/۷۸۳	DD3	
۰/۹۳۴	۰/۸۸۹۷	۰/۸۸۹	RE1	اقتصاد مقاومتی
		۰/۸۹۳	RE2	
		۰/۸۸۸	RE3	
		۰/۸۸۹	RE4	

۴-۲. آزمون مدل ساختاری

جهت بررسی روایی و اِگرای سازه‌های تحقیق، باید میزان همبستگی هر نشانگر با تمام سازه‌های دیگر مدل محاسبه شود و مقادیر باید برای سازه‌ی انتخابی بیشتر از سایر سازه‌ها باشد. بدین منظور ریشه‌ی دوم میانگین واریانس استخراج شده را جابگزین ماتریس همبستگی می‌کنیم. مقدار جذر (نوشته شده در قطر ماتریس) باید از سایر همبستگی‌های عامل‌های دیگر با این سازه بیشتر باشد (آقاجانی، ۱۳۹۳). مطابق با جدول (۵) مشخص است که تمامی ضرایب قرار گرفته در قطر ماتریس از دیگر ضرایب هم سطر خود بیشتر هستند و این یعنی هر نشانگر دارای بیشترین همبستگی با سازه‌ی خود نسبت به سایر سازه‌ها است، برای مثال نشانگر np با سازه‌ی خود یعنی حمایت از تولید ملی همبستگی بیشتری نسبت به سازه‌های دیگر مانند اقتصاد دانش‌بنیان، تولید دانش و... دارد؛ بنابراین نتایج بررسی روایی تشخیصی نشان می‌دهد که مدل به دست آمده دارای روایی و اِگرا نیز هست.

جدول شماره (۵) بررسی روایی و اِکرای سازه‌های تحقیق

بهرمندی از ظرفیت‌های فرهنگی، دینی و ملی	اشتراک دانش	اقتصاد مقاومتی	به‌کارگیری دانش	رشد اقتصادی	تولید دانش	حمایت از تولید ملی	اقتصاد دانش‌بنیان	مدیریت دانش	مدیریت بهینه منابع طبیعی	قطع وابستگی به کشورهای بیگانه
بهره‌مندی از ظرفیت‌های فرهنگی، دینی و ملی	۰/۸۰۵									
اشتراک دانش	۰/۳۳۶	۰/۸۲۶								
اقتصاد مقاومتی	۰/۶۴۶	۰/۴۳۶	۰/۸۸۶							
به‌کارگیری دانش	۰/۲۸۶	۰/۷۰۶	۰/۳۹۶	۰/۸۱۶						
رشد اقتصادی	۰/۶۷۶	۰/۳۸۶	۰/۶۸۶	۰/۳۸۱	۰/۸۱۶					
تولید دانش	۰/۴۲۶	۰/۶۸۶	۰/۵۰۶	۰/۶۶۶	۰/۶۴۱	۰/۸۴۶				
حمایت از تولید ملی	۰/۵۶۶	۰/۴۳۶	۰/۵۰۶	۰/۳۸۱	۰/۶۹۶	۰/۷۸۱				
اقتصاد دانش بنیان	۰/۶۴۶	۰/۵۰۶	۰/۵۶۶	۰/۶۲۶	۰/۵۹۶	۰/۶۱۶	۰/۸۰۶			
مدیریت دانش	۰/۳۱۶	۰/۷۵۶	۰/۳۸۶	۰/۳۸۱	۰/۶۱۶	۰/۳۸۱	۰/۵۲۶	۰/۷۱۶		
مدیریت بهینه منابع طبیعی	۰/۴۵۶	۰/۴۰۶	۰/۴۷۶	۰/۵۳۶	۰/۳۶۶	۰/۴۲۶	۰/۶۸۶	۰/۳۹۶	۰/۷۹۶	
قطع وابستگی به کشورهای بیگانه	۰/۶۱۶	۰/۵۱۶	۰/۷۰۶	۰/۶۷۶	۰/۶۴۱	۰/۵۲۶	۰/۶۴۶	۰/۷۸۱	۰/۵۸۶	۰/۶۶۶

پس از تأیید ویژگی‌های مطلوب مدل اندازه‌گیری، نتایج آزمون ضرایب معنا داری مدل برای مدل ساختاری تحقیق باید مورد بررسی قرار بگیرد. بررسی معناداری ضرایب مسیر با استفاده از دستور بوت استرپ انجام می‌پذیرد. برای این منظور لازم است تا مقدار t هر مسیر نشان داده شود. مسیری که دارای مقادیر t بیشتر از $۱/۹۶$ باشند در سطح معناداری ۹۵٪ هستند. (سید عباس زاده، ۱۳۹۱) از همین رو از روش از سرگیری

استفاده شد که برای این منظور از سرگیری، در حالت ۵۰۰ نمونه شبیه‌سازی شد. نتایج این بررسی در جدول ۶ نشان داده شده است.

ستون اول در جدول (۶) ضرایب مسیر را نشان می‌دهد. مثبت بودن این ضرایب نشان دهنده وجود رابطه‌ی مثبت میان دو سازه است و هرچه مقدار این ضریب مسیر بالاتر باشد، رابطه‌ی بین آن دو سازه قوی‌تر از سازه‌های دیگر است، بنابراین در میان مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، قطع وابستگی به کشورهای بیگانه مهم‌ترین مؤلفه‌ی اقتصاد مقاومتی و همچنین اشتراک دانش مهم‌ترین مؤلفه‌ی مدیریت دانش شناخته می‌شود. همچنین ضرایب ستون دوم، پایین بودن مقادیر خطای استاندارد در مدل را تأیید می‌کند. در نهایت همان‌طور که مشخص است تمامی مقادیر t که در ستون سوم آورده شده‌اند، از ۱/۹۶ بالاتر هستند و این امر نشان دهنده‌ی معناداری تمامی رابطه‌های مشخص شده بین سازه‌های مدل است.

جدول شماره (۶) خلاصه‌ی نتایج آزمون فرضیه‌ی پژوهش

سازه - سازه	ضریب مسیر	خطای استاندارد	آماره t	p-value
اقتصاد مقاومتی - بهره‌مندی از ظرفیت‌ها	۰/۶۵۶	۰/۰۴۵	۱۱/۸۹۴	۰/۰۰۰
اقتصاد مقاومتی - رشد اقتصادی	۰/۶۹۳	۰/۰۵۲	۱۱/۶۵۲	۰/۰۰۱
اقتصاد مقاومتی - حمایت از تولید ملی	۰/۵۴۸	۰/۰۵۵	۷/۶۴۴	۰/۰۰۲
اقتصاد مقاومتی - اقتصاد دانش‌بنیان	۰/۵۷۴	۰/۰۶۴	۷/۵۵۶	۰/۰۰۳
اقتصاد مقاومتی - مدیریت منابع طبیعی	۰/۴۸۳	۰/۰۷۶	۵/۷۷۲	۰/۰۰۴
اقتصاد مقاومتی - قطع وابستگی به کشورهای بیگانه	۰/۷۱۶	۰/۰۴۲	۱۳/۵۱۲	۰/۰۰۵
مدیریت دانش - اشتراک دانش	۰/۷۵۷	۰/۰۳۹	۱۴/۷۹۹	۰/۰۰۶
مدیریت دانش - تولید دانش	۰/۶۲۰	۰/۰۵۴	۳/۳۷۷	۰/۰۰۷
مدیریت دانش - به‌کارگیری دانش	۰/۷۳۰	۰/۰۴۰	۱۵/۲۶۵	۰/۰۰۸
مدیریت دانش - اقتصاد مقاومتی	۰/۵۹۱	۰/۰۹۸	۹/۲۲۳	۰/۰۰۹

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

جامعه‌ی آماری این پژوهش یک شرکت دانش‌بنیان دفاعی در نظر گرفته شده است که دلیل اصلی این انتخاب، فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های فراوان این شرکت برای تحقق اقتصاد مقاومتی و اهمیت دادن به موضوع اقتصاد مقاومتی و تلاش برای تحقق سریع‌تر و بهتر اقتصاد مقاومتی در کشور است. پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده از این شرکت، مطابق با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار AMOS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و همان‌طور که در جدول‌های (۵) و (۴) مشاهده گردید، پایایی و روایی مدل مورد نظر تأیید شد.

همچنین بر اساس روابط ارائه شده در جدول ۶ می‌توان بیان نمود که مدیریت دانش با ضریب مسیر برابر ۰/۵۹۱- تأثیر مثبت و با $t = ۹/۲۲۳ > ۱/۹۶$ تأثیر معناداری بر اقتصاد مقاومتی دارد و بنابراین فرضیه‌ی اصلی پژوهش که بررسی تأثیر مدیریت دانش بر اقتصاد مقاومتی است تأیید می‌شود. همچنین تمامی ضرایب مسیر و مقادیر t نشان داده شده در جدول، وجود ارتباطات مثبت و معنادار را بین سایر مؤلفه‌های مشخص شده تأیید می‌کند. بدین معنا که بین اقتصاد مقاومتی و هر شش مؤلفه‌ی آن و همچنین مدیریت دانش و سه فرایند اصلی آن رابطه‌ی معنادار و مثبت وجود دارد. همان‌طور که در شکل (۱) و با توجه به ضرایب مسیر مشخص است، قطع وابستگی به کشورهای بیگانه و جهش در خودکفایی و سپس با اختلاف بسیار اندک، مؤلفه‌ی رشد اقتصادی را می‌توان از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تحقق اقتصاد مقاومتی در نظر گرفت و شاید این بدان معنا باشد که شرکت مذکور بیشتر فعالیت‌های خود را باهدف قطع وابستگی به کشورهای بیگانه شکل داده و همچنین به دلیل نقش پررنگ رشد اقتصادی ممکن است ناشی از این نکته باشد که این شرکت به دلیل اینکه نقش مهمی در اقتصاد کشور دارد، برنامه‌های متعددی را برای رشد و توسعه در نظر گرفته و اجرا می‌کند تا از این طریق بتواند در تحقق اقتصاد مقاومتی کشور نیز نقشی را ایفا سازد. همچنین، همان‌طور که در مدل نمایان است، از میان سه فرایند مدیریت دانش، اشتراک دانش به منزله‌ی مهم‌ترین فرایند مدیریت دانش در نظر گرفته شده است و این طور به نظر می‌رسد که این شرکت در پیاده‌سازی مدیریت دانش، اغلب برنامه‌های خود را به اشتراک دانش در سازمان معطوف داشته است.

بنابراین شاید بتوان این‌گونه نتیجه گرفت که سازمان‌های دیگر نیز برای کمک به تحقق سریع‌تر اقتصاد مقاومتی، اولین گامی که می‌توانند در این راستا بردارند، حرکت برای قطع وابستگی به کشورهای بیگانه و سپس گام‌هایی برای رشد اقتصادی سازمان خود است تا کشور را در این امر مهم یاری رسانند؛ بنابراین با نتیجه‌ی حاصل شده در این پژوهش می‌توان سازمان‌های کشور را به سرمایه‌گذاری در مدیریت دانش تشویق کرد تا از این طریق علاوه بر بهره بردن از فواید مدیریت دانش در سازمان خود، گامی مؤثر برای تحقق سریع‌تر اقتصاد مقاومتی نیز برداشته باشند، زیرا واضح است که برای تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور، تمامی نهادها و سازمان‌های آن باید با این مفهوم و اهمیت محقق شدن آن آشنا شوند و برای کمک به تحقق آن برنامه‌ریزی و سپس اقدام کنند.

امروزه دانش و اطلاعات به عوامل تعیین‌کننده‌ای در موفقیت و قدرت رقابت‌پذیری سازمان‌ها تبدیل شده و مدیریت دانش به‌عنوان یکی از مباحث نوین سازمانی در علم مدیریت مطرح شده است. سازمان‌ها برای بهبود جایگاه رقابتی خود، مجبور هستند برای نگهداری دانش موجود و نیز یادگیری دانش‌های نوین، مدیریت دانش را به کار گیرند. سازمان باید جهت بهبود عملکرد خود در برخی موارد دانش سازمانی خود را آگاهانه کنار بگذارند و دانش جدیدی را جایگزین نمایند. اشتراک دانش باعث یادگیری جمعی می‌شود و هم‌افزایی را در گروه‌ها افزایش می‌دهد و این خود باعث بهبود سهم دانش در دسترس شرکت برای ارتقاء عملکرد سازمانی می‌شود.

امروزه اقتصاد مقاومتی یکی از مهم‌ترین مباحث روز کشور است که هر نهاد و سازمانی باید در جهت یاری‌رساندن به تحقق سریع‌تر آن تلاش کند، زیرا راهکاری مناسب برای مواجهه با بحران‌ها در حوزه‌های گوناگون امنیتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و مدیریت صحیح این بحران‌ها است.

از میان راه‌های مختلف برای دستیابی به این هدف مهم، دانش و توجه و اهمیت به آن یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی شناخته شده است. همان‌طور که مقام معظم رهبری نیز فرمودند، برای تحقق اقتصاد مقاومتی راهکار اصلی اهمیت به دانایی و علم و دانش است. به همین دلیل در پژوهش حاضر، مدیریت دانش به منزله‌ی پلی برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار گرفت تا با پیاده‌سازی مدیریت دانش در سازمان‌ها، علاوه بر کمک به تولید ثروت از دانش در سازمان‌ها، بتوان از آن در جهت کمک به تحقق اقتصاد مقاومتی یاری گرفت. بدین منظور در این پژوهش برای مدیریت دانش بر اساس مطالعات از قبل صورت گرفته، سه فرایند تولید، اشتراک و به‌کارگیری دانش و همچنین برای اقتصاد مقاومتی شش مؤلفه‌ی حمایت از تولید ملی، مدیریت بهینه‌ی منابع طبیعی، رشد اقتصادی، استفاده از ظرفیت ملی، فرهنگی و دینی، اقتصاد دانش‌بنیان و قطع وابستگی به کشورهای بیگانه و جهش در خودکفایی در نظر گرفته شدند. پس از بررسی‌های صورت گرفته و تجزیه و تحلیل‌های انجام شده با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، فرضیه‌ی اصلی پژوهش که تأثیر مثبت مدیریت دانش بر اقتصاد مقاومتی است تأیید شد. همچنین قطع وابستگی به کشورهای بیگانه و رشد اقتصادی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در شرکت مورد مطالعه شناخته شدند.

با توجه به نتایج پژوهش می‌بایست در شرکت بستری ایجاد شود که در آن تسهیم و مبادله ایده‌ها، دانش و اطلاعات ارزشمند تلقی گردد. فرهنگ سازمانی مناسب و سودمند که حامی مبادله و انتقال دانش بین سطوح مختلف سازمان باشد، به‌طوری که افراد بدون هیچ‌گونه ترس و واهمه‌ای، اطلاعات و دانش خود را در اختیار همکاران خود قرار دهند و این مسئله را به‌عنوان یک نقطه ضعف تلقی ننمایند. فرهنگ تسهیم دانش می‌تواند نتایج فردی و سازمانی معنوی در برداشته باشد و در نتیجه سازمان را از مزایای مدیریت دانش بهره‌مند سازد.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- آشنا، مصطفی؛ یوسفی، حمیدرضا؛ صادقی، فرزانه (۱۳۸۸)، سرمایه‌ی فکری، سرمایه‌های ارزشمند و مؤثر در سازمان امور مالیاتی کشور، فصلنامه‌ی تخصصی مالیات، شماره‌ی ۶، ۱۳۹، ۱۵۵.
- آقاجانی، حسنعلی، مجدد؛ شیوا، (۱۳۹۳)، مثلث اقتصاد مقاومتی، گرایش کارآفرینانه و مدیریت دانش، بسترساز موفقیت در اقتصاد دانش‌بنیان، کنفرانس اقتصاد و مدیریت کاربردی با رویکرد ملی.
- ایدلخانی، یاسمن؛ اخوان، پیمان؛ حسنوی، رضا (۱۳۹۵)، مدل ترکیبی مدیریت دانش و اقتصاد مقاومتی: رویکردی مناسب برای مواجهه با بحران‌ها در جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه مدیریت بحران، شماره ۱۰.
- جهرمی، تراب زاده؛ سجادیه، سید علیرضا؛ سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۹۲)، بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، فصلنامه‌ی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره‌ی ۳۲، ۳۱، ۴۶.
- درویش زاده؛ مرضیه، اخوان؛ پیمان (۱۳۸۸)، ارائه‌ی چهارچوبی جهت تعیین نقش مدیریت دانش در مدیریت بحران، دومین کنفرانس ملی مدیریت دانش، موسسه اطلاع‌رسانی نفت، گاز و پتروشیمی.
- رشوند، علی اکبر (۱۳۹۵)، مدیریت سیاسی، اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل. وبسایت اداره کل مدیریت بحران استانداری قزوین.
- رشید ارده، حبیب اله؛ متقی، افشین؛ حسینی امینی، حسن (۱۳۹۳)، راهبردهای مدیریت بحران و اقتصاد مقاومتی، اصفهان، علم آفرین.
- سید عباس زاده، میر محمد و دیگران، (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر مدل یابی معادلات ساختاری به روش PLS و کاربرد آن در علوم رفتاری، انتشارات دانشگاه ارومیه، چاپ اول
- گزارش مشروح سخنان دانشجویان با رهبر انقلاب، ۲۱ / ۱۳۹۴/۴.
- محمدی مقدم، یوسف؛ ذوالفقاری، حسین؛ علی پور، میثم؛ رسولیان، پریسا (۱۳۹۲)، بررسی رابطه اقتصاد مقاومتی، گرایش کارآفرینانه و مدیریت دانش، فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی، شماره‌ی دوم، ۱۰۷-۱۲۰.
- معموری، علی (۱۳۸۱)، قرآن و پایان تاریخ، موعود، ۳۶، قابل دسترسی در سایت
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۱)، اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، فصلنامه‌ی اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره‌ی ۴۷، ۴۹، ۷۶.
- نعمتی، محمدعلی؛ سادات حسینی، هدی سادات (۱۳۹۳)، شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحقق فرایند تبدیل دانش به فناوری در دانشگاه‌ها، فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۷۷، ۲۴-۱۹۴.

منابع لاتین

- Allen, D. K., Brown, A., Karanasios, S., & Norman, A. (2013). How should technology – mediated organizational change be explained? A comparison of the contributions of critical realism and activity theory. *Mis Quarterly*, 37(3), 835 - 854.
- Alrawi, K. W. (2008). Knowledge management and organization's perception in the UnIT ed Arab Emirates: case study. *International Journal of Commerce and Management*, 18(4), 382-394.
- Carter, M. Z., Armenakis, A. A., Field, H. S., & Mossholder, K. w. (2013). Transformational leadership, relationship quality and employee performance during continuous incremental organizational change. *Journal of Organizational Behavior*, 34(7), 942 – 958.
- Chennemanani, A . (2006). Determinant of Knowledge Sharing Behaviors: Developing and Testing an Integerated Theoretical Model. The University of Texas at Arlington.
- Davenport, T. H., and Prusak, L. (1998). *Working Knowledge: How Organizations Manage What They Know*. Harvard Business School Press, Boston.
- Hales, S. (2001). .Dimensions Knowledge and its management. Available at: www.insighting.co.uk.
- Nevis, E., Dibella, A. and Gould, J. (1995). Understanding organizations as learning systems. *Sloan Management Review*, 36(2), pp. 73-85.

سایت های الکترونیکی

- [http:// www.farsnews.com/newstext.php](http://www.farsnews.com/newstext.php)
- <http://www.hawzah.net/fa/Magazine>
- http://www.m.ostan-qz.ir/content/ostan/special_reports

